



معینی را معرفی و تداعی می‌کند، مفاهیم و مضامینی چون جانوران، انسان، زمین، کوه، دریا و...

نقوش هندسی گلیم و به‌ویژه ورنی اردبیل را می‌توان به نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و اشکال اشیایی تقسیم کرد. البته این تقسیم در میان گلیم‌بافان متداول نیست و نام نقوش به دلیل شباهت نقش و یا مفهوم خاص نامگذاری شده‌اند. نقشمایه‌های انسانی در گلیم‌های یک رو و دورو کمتر دیده می‌شود. بیشتر این نقشمایه‌ها نشان‌دهنده شغل‌های مختلف در بین قوم آنهاست. از جمله چوپان و شبان، سوار

یا اسب‌سوار، مرد، زن، سرباز (درواقع کسی که سر خود را بازدارد). ولی نقش سرباز به نقشمایه طبل معقلی می‌ماند و در بخش شمالی اردبیل به آن «گاپاتی گلی» هم می‌گویند. یا نام‌هایی که به پوشاک و وسایل انسان‌ها اطلاق شده چون «شالمه» یا «شالمن» ۹ که از «شال کلا» ۱۰ به زبان تالشی گرفته شده است.

نقشمایه‌های گیاهی که از دست‌بافته‌های سنتی اردبیل و برگرفته از گیاهان طبیعی است که به دلیل مصارف غذایی، دارویی، رنگی، سوخت و... نوعی قداست یافته و بر فرهنگ آنان تأثیر گذارده است. درواقع این نقوش

گلیم مجموعه‌ای است از زندگی بافنده و تصاویر ذهنی و استظوره‌ای وی که در نهایت سادگی و بی‌آلایشی، نقشمایه‌هایی را برای زنده پرستان جامع علوم انسانی و تحول زندگی آفریده است

برگرفته از درختانی چون گز، درخت سرو و بوته‌هاست که هر یک مضمون ویژه‌ای را چون آزادی و آزادگی و دلبستگی انسان را به طبیعت ارائه می‌دهند. نقشمایه‌های حیوانی نیز به دلیل رابطه‌ی نزدیک انسان و حیوان به صورت تجریدی در ورنی‌ها دیده می‌شود، نقش ماهی در گلیم‌های این منطقه یافت نمی‌شود. نقوش حیوانی به چند دسته تقسیم می‌شود. نقوش حیواناتی که اهلی و با مردم زندگی می‌کنند و سودمند هستند چون بز، گوسفند و... نقوشی که عمدتاً در ورنی‌ها دیده می‌شود چون طاووس، کبک، گوزن، قرقاول که سمبولی از پاکی و زیبایی هستند و نقوشی که کمتر از دو دسته قبلی استفاده می‌شود چون گرگ، شغال، روباه و... که نمایانگر درنده‌خوبی است. درواقع بیشترین علامت شناخت ورنی‌ها، وجود نگاره‌های حیوانی در کنار یکدیگر است.

نقوش اشیاء. این نقوش، برگرفتن تجریدی اشیایی است که در زندگی

میان عشایر ایلات ملهم از طبیعت اطراف و نحوه‌ی زندگی و نشان‌دهنده اصالت قومی و قبیله‌ای آنان است و اغلب این نقوش، با نقوشی که بر روی سفال‌های پیش از تاریخ در این منطقه دیده شده، شباهت زیادی دارد.

درواقع کاربرد این نقوش به خصوص در گلیم، و تکرار آن و یا در ترکیب با نقوش دیگر، نوعی هماهنگی، نظم در این نقش‌ها و رنگ‌هاست. درواقع کاربرد این نقوش در ورنی، نمایی است از نوع زندگی و انعکاس آن در ذهن زنان و دختران بافنده عشایر، همراه با روستایی بودن این هنر سنتی،

که آنان را در خلق ذهنی نقشه‌هایی اصیل و سنتی و درآمیختن نقوش و رنگ‌های شاد و ذهنی با عوامل طبیعی محیط اطراف خود، قادر می‌سازد. به لحاظ کوچ عشایر، این نقوش به نقاط دیگر رفته و دست‌بافته‌ها را متأثر می‌سازد و گاه شکل و نام سنتی خود را حفظ گاه با تغییراتی نام دیگری به خود می‌گیرند. و گاه آنچنان تجریدی می‌گردند که شناخت ریشه نقوش به نظر ناممکن می‌شود.

آنچه در مورد ورنی گفتنی است، این که در این گلیم‌ها، وجود ترنج الزامی است و کمتر ورنی دیده می‌شود که ترنج نداشته باشد. ترنج بزرگ ورنی‌های اصیل، به نام نقشه قالی خوانده می‌شوند مثل نقشه قلمی، نیم‌قلمی، خشتی و جلدبخان.

در نقوش قلمی یک ترنج کشیده شش ضلعی است که در درون آن یک نقش موج کشیده قرار گرفته است و در داخل آن یک شش ضلعی و یا دو شش ضلعی قرار دارد. در نقشه‌های جلدبخان تعداد ترنج‌های به هم پیوسته به طول ورنی (کناره) بستگی دارد و بیشتر به نقشه لچک و ترنج شباهت دارد. غالباً در بین ترنج‌ها و در متن ورنی‌ها از نقوش ریز و نگاره‌های خلاصه شده تصاویر انسان و حیوانات و گیاهان و اشیاء قرار می‌گیرند و

ترکیب خاصی را به وجود می‌آورند و تا حدودی می‌توان گفت که نقوش در گلیم‌های ساده‌باف اردبیل از نقوش گلیم‌های بیجار و سنه کردستان و گلیم‌های شطرنجی قشقایی الهام گرفته‌اند» ۸ زمینه گلیم را در کناره حاشیه‌هایی دربر گرفته‌اند که معمولاً با استفاده از خطوط شانه‌ای، زیگزگی و مستقیم، حاشیه‌ها و زمینه‌ها تفکیک می‌شوند. گلیم‌ها از یک و حداکثر سه یا چهار حاشیه برخوردارند که معمولاً از تکرار یک نقشمایه و نگاره به وجود می‌آید. گفتنی است که فرارگیری نقوش قالب خاص و ثابتی ندارد، بلکه به سلیقه‌ی بافنده‌ای که در ترکیب‌بندی نقوش دخالت دارد، متکی است. این امر البته بیشتر در قالی‌ها و گلیم‌های ذهنی‌باف که نقشه‌ای ندارند دیده می‌شود. نقوش گلیم به خصوص ورنی، عمدتاً به صورت تجریدی هستند. بافنده با درهم آمیختن خطوط، شکل‌های هندسی‌ای چون دایره، مربع، مثلث و لوزی را به وجود می‌آورد و درواقع با استفاده از اشکال هندسی و خطوط، مفهوم

نقوش در ورنی

علی صالحی



آنها به روش پودپیچی یا پودپیچشی بوده که تا حدودی از ضخامت بیشتری در مقایسه با گلیم‌های ساده و معمولی برخوردار است. طرح و نقوش بافته شده در یک طرف گلیم مشاهده می‌شود و در پشت آن فقط نخ‌های رنگین به صورت پراکنده و نامنظم قرار دارد.» ۴

ورنی ایران با سومک‌هایی که در قفقاز تولید می‌شده شباهت فراوانی دارد که خود نشان‌دهنده فرهنگ مشترک میان اقوام ساکن در آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان می‌باشد. برخی از پژوهشگران نیز به قره‌باغ به عنوان زادگاه اصلی بافت سومک اشاره دارند و معتقدند بر اثر روابط مشترک فرهنگی و رفت و آمد عشایر در کنار رود ارس، بافت ورنی به دشت مغان راه پیدا کرده است. درواقع می‌توان گفت امروزه بهترین ورنی‌های ایران در بخش شمال غربی و در کنار رود ارس به وسیله‌ی ایل

شاهسون ۵ بافته می‌شود. مهم‌ترین بافته‌های آنها، بافته‌های سوزن‌دوزی شده است، اما شاهسون‌ها به خاطر گلیم‌هایی که به صورت جل‌اسب می‌بافتند و تصاویری از اسب و آهو و پرندگان بر آن نقش بسته‌اند، شهرت دارند. گلیم‌های شاهسون معمولاً با پشم خشک و خشن برعکس گلیم‌های قفقازی بافته می‌شود

همان‌گونه که سیسیل ادواردز ۶ نیز اشاره دارد ورنی‌های سنتی شاهسون شباهت فراوانی با قالی‌های کناره‌ای منطقه سراب دارند.

اصولاً سبک‌های بافت ورنی و به ویژه پیچ‌بافی را می‌توان این‌گونه برشمرد: پیچ‌بافی یکدست یا بدون بود اضافی، پیچ‌بافی مرکب یا با بود اضافی، پیچ‌بافی معکوس که با بود اضافی بافته می‌شود، پیچ‌بافی دو رنگی، پیچ‌بافی مرکب عمودی، پیچ‌بافی اریب، پیچ‌بافی متفاوت (قرینه‌بافی) و نوع جناقی که با دو بود رنگی دو زمینه‌ی مختلف ایجاد می‌شود.

«سبک پیچ‌بافی از دیرباز در بافته‌های هنرمندان منطقه‌ی آذربایجان ایران بسیار دیده شده است. پارچه‌های کتان پیچ‌بافی که در سوییس کشف شده متعلق به ۲۰۰ سال پیش از میلاد است. همچنین بقایایی از منسوجات پیچ‌باف کهن دیگری در پرو، مصر و ایران بافت شده که نشانگر بافته‌ها در ادوار بسیار دور به این سبک بوده است. البته شیوه پیچ‌بافی نه‌تنها به طور گسترده در قفقاز و شمال غربی ایران، بلکه در میان کردهای عراقی و قبایل ایماق در ترکیه و قبایل ایرانی مثل لرها، بلوچ‌ها و بختیاری‌ها نیز دیده می‌شود.» ۷

با توجه به اینکه نقوش در آثار هنری، بیانگر هویت فرهنگی یک قوم است، بررسی آنها می‌تواند فرهنگ آنها را نشان دهد. این نقوش، گاه نمادی از خیر و مقدس‌اند و گاه شر و نامبارک و نقشامیه‌ها می‌توانند وسیله‌ای برای طرح موضوعی خاص به‌شمار می‌روند. درواقع نقوش و طرح‌های ورنی در

گلیم مجموعه‌ای است از زندگی بافنده و تصاویر ذهنی و اسطوره‌ای وی که در نهایت سادگی و بی‌آلایشی، نقشامیه‌هایی را برای زنده کردن و تحول زندگی آفریده است. گلیم متکی به جنبه‌های کاربردی، نقش‌های خود را داراست و به لحاظ جنبه‌های اعتقادی به عنوان جانماز و فرش مسجد، از نقوش و رنگ‌هایی سود می‌برد تا فضای معنوی و روحانی خاصی ایجاد کند. رنگ گلیم حاصل دریافت‌های حسی از طبیعت اطراف سرشار از رنگ است که در این دستبافته‌ها جلوه می‌کند. گلیم را می‌توان درواقع نوعی فرش دانست که توسط نخ پنبه‌ای یا پشمی بافته شده و پرز ندارد و به عنوان زیرانداز، پرده در چادرها، رختخواب‌پیچ، سجاده و... مورد استفاده قرار گرفته است.

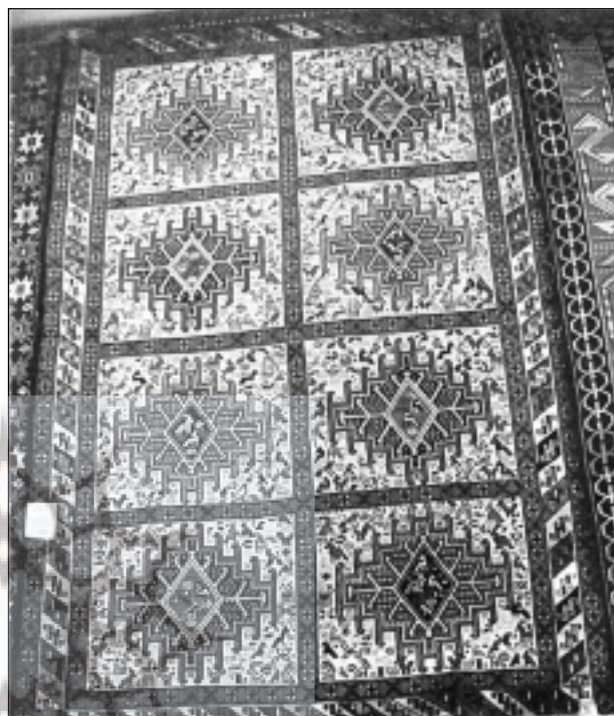
آنچه از یافته‌های باستان‌شناسی به دست آمده نشان دهنده بافت گلیم در میان اقوام آسیای مرکزی است، اقوامی که در زمینه‌ی پرورش گوسفند فعالیت داشتند. با توجه به اینکه بافت قالی را تا سه هزار و پانصد سال تخمین می‌زنند، اما به لحاظ اینکه بافت گلیم به مراتب ساده‌تر از قالی بوده است، می‌توان گلیم‌بافی را پیش از این تاریخ دانست. قدیمی‌ترین نمونه‌ی موجود از گلیم‌های ایرانی که تاکنون به دست آمده. منسوب به دوره سلجوقی (۴۲۹-۵۵۲ هـ) است که با تصویری از کتاب کلیله و دمنه و خط کوفی تزیین شده است. در این گلیم زنی که رواندازی با نقش راه راه را روی خود کشیده و در بعضی نوارها نیز نقش جناقی وجود دارد دیده می‌شود. این نوع تزیین یادآور گلیم‌های منطقه فارس است که به عنوان روانداز تزیینی استفاده می‌شود. با اینکه در ایران بیشتر از ۳۰ نوع گلیم مورد شناسایی قرار گرفته است، اما از لحاظ طرح و نقوش و شیوه‌های بافت به سه نوع عمده تقسیم می‌شوند.

گلیم‌های ساده باف یا دورو که اصطلاحاً تخت نیز گفته می‌شوند، گلیم‌های خاص یا یک رو ولی غیرسومک ۱ که دارای زمینه‌ای ساده و طرح اصلی آن شبیه قالی پرزدار است. از این نوع گلیم‌ها می‌توان به «شورکی» و «سفره کردی» در خراسان، گچمه در کهگیلویه و بویراحمد و «گل برجسته» ایلام اشاره کرد.

اما نوع سوم این گلیم‌ها که موضوع مورد بحث است گلیم‌های یک رو یا با سبک پیچ‌بافی (سومک) هستند. ورنی ۲ درواقع گلیمی است بدون پرز و یک رو و عمدتاً بدون نقشه و به شکل ذهنی بافته می‌شود. از این نوع گلیم در کردستان و کرمان بافته می‌شود که در کرمان به شیر یکی پیچ ۳.

در مقاله‌ی گلیم‌های اردبیل، در مورد این نوع از گلیم‌ها آمده است: «دسته سوم گلیم‌های یک رو یا با سبک پیچ‌بافی (سومک) هستند که شیوه بافت

نقوش گلیم به خصوص ورنی، عمدتاً به صورت تجریدی هستند. بافته با درهم آمیختن خطوط، شکل‌های هندسی‌ای چون دایره، مربع، مثلث و لوزی را به وجود می‌آورد و در واقع با استفاده از اشکال هندسی و خطوط، مفهوم معینی را معرفی و تداعی می‌کند



پاورقی‌ها:

۱ - سوماک برگرفته از سوماخ (شماخی)، منسوب به شهری در قفقاز است که در قدیم پایتخت شیروان بوده است و امروزه جزء آذربایجان است. محلی که در طی قرون متمادی گلیم‌های ظریف گلدار و پودنما بافته شده است و بیشتر با بافت پودیچ صورت می‌گیرد. بافت سوماک با دوام و سنگین بوده و معمولاً ظرافتی استنادانه دارد.

۲ - ورنی یا ورنیه گفته شده این نام، از روستایی واقع در منطقه قره‌باغ قفقاز به نام ورنی یا ورنیه گرفته شده و می‌توان زادگاه و محل اصلی ورنی را در این منطقه دانست.

۳ - شیریکی پیچ در کرمان بافته‌پیچی یا گلیم‌پیچی گفته می‌شود. در واقع بافته‌ای است از بافندگان عشایر کرمان و رفسنجان و سیرجان که به ورنی و قالی شبیه است.

۴ - حسین یاوری، مقاله‌ی گلیم‌های اردبیل (ارائه شده به ششمین کنفرانس بین‌المللی فرش ایران)، تهران، شهریور ۱۳۷۶.

۵ - ایل‌سون یا آل‌سون. از قبیله‌های نیمه چادرنشین که در شمال شرقی آذربایجان ساکن هستند ریشه آنها به سرزمین آناتولی و ترکستان برمی‌گردد و از مهم‌ترین طایفه‌های ترک‌زبان هستند. در دوره شاه‌عباس نام این ایل، به شاهسون (دوستدار شاه) تغییر کرد. شاهسون‌ها زمستان را در دشت مغان و کنار رودخانه ارس می‌گذرانند و تابستان به مراتع مرتفع جبال سیلان در غرب اردبیل کوچ می‌کنند. برای جلوگیری از تجمع و از بین بردن قدرت جمعی عشایر و ایلات آنها را به نقاط مختلف پراکنده‌اند. در اوایل قرن سیزدهم گروهی از شاهسون‌ها به جنوب شرقی در محدوده شهرهای تبریز، میانه، زنجان قزوین از شمال و از جنوب تا ساوه و از غرب به بیجار و مهاباد انتقال داده شدند.

۶ - قالی ایران، سیسیل ادواردز.
۷ - گلیم، آلستر هال، ترجمه شیرین همایون‌فر و نیلوفر الفت شایان، نشر کارنگ، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۸ - شناخت گلیم، زهرا جزایری، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.

۹ - شالمن شبیه به یک شاخه گل است.

۱۰ - دستار یا نوار باریکی از پارچه سیاه که مردان کوه‌نشین بر سر می‌گذارند.

۱۱ - شناخت گلیم، زهرا جزایری، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.

روزمه گلیم‌بافان دیده می‌شود. اشیایی تزئینی و یا کاربردی چون پارچه، تبر و وسایل شکار که از میان این نقوش، تپانچه و چخماق از همه رایج‌ترند. گفتنی است ورنی تنها منحصر به ایران و آن هم در ناحیه شمال غربی است و ویژگی خاص تولید آن، هرگونه عمل مشابه‌سازی مانند دیگر زیراندازها چون قالی و گلیم را غیرممکن می‌کند. هرچند شیوه و سبک بافت ورنی، یعنی سبک پیچ‌بافی در میان اقوام دیگر ایران چون ایلات لر، فارس، بلوچ، کرمان نیز رایج است، اما هر یک از این نقوش رنگ‌آمیزی و ویژگی خاص خود را دارند و بافته‌های آنها، نام و خصوصیات ورنی را به خود نمی‌گیرند.
در مورد ابزار بافت ورنی نیز آمده است: «ابزار و آلات ورنی‌بافی عموماً در محل تهیه می‌شود مانند دار که بیشتر از قطعات چوب ساخته می‌شود که نوع دار در سبک و زندگی عشایری به صورت افقی می‌باشد و بدان صورت که چهار گوشه دو قطعه زیر دار و سردار را به وسیله میخ‌های چوبی بر زمین محکم می‌نمایند و در زمان کوچ و جابجایی به سادگی با درآوردن میخ‌ها، چله‌ها و بافته موردنظر را به دور زیردار و سردار جمع می‌کنند و قابل حمل می‌گردد. ولی نوع دار و دستگاه بافت ورنی در نقاط جمعیتی و شهری امروزه شباهت زیادی به دستگاه‌های بافت قالی و گلیم ساده را دارند، ابزار بافت ورنی مانند دفتین (نوع دفتین در سبک گلیم‌بافی کوچک‌تر و سبک‌تر از نوع آن در مسبک قالی‌بافی است) و سیخک (معمولاً کوچک‌تر از سیخ قالی‌بافی) و قیچی می‌باشد که غالباً توسط خود عشایر ساخته می‌شوند». ۱۱
ورنی‌بافی، بدون وجود نقشه ناشی از تبحر و قدرت تخیل بافندگان آن است و به واسطه‌ی آنکه بیشتر نقوش کمتر تکرار یا کمتر مانند یکدیگر بافته می‌شوند و قرینه‌بافی دقیقی چون فرش ندارد، خود دارای یک نوع اصالت در نقوش است.